

جامعه‌شناسی و مشکله هویت ایران (فرا تحلیلی از مطالعات نظری و پژوهشی هویت)^۱

* جلیل کریمی

** احمد محمدپور

*** صلاح‌الدین قادری

E-mail: jkarimi79@gmail.com

E-mail: a_mohammadpur@yahoo.com

E-mail: salahaldin_gh@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۰/۸

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۲/۵

چکیده

هویت مشکله‌ای نظری و عملی است که به‌ویژه در دهه‌های اخیر حجم وسیعی از مطالعات نظری و پژوهشی، برنامه‌ریزی‌های اجتماعی، اقدامات سیاسی و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی را موجب شده است. نظر به اهمیت موضوع، مقاله حاضر بر آن است تا از چشم‌اندازی به نسبت متفاوت سه دسته مطالعات انجام‌شده در قلمرو موضوعی هویت، یعنی نظریه‌های عام جامعه‌شناسی، مطالعات نظری جامعه علمی ایرانی و مطالعات پژوهشی ایرانی را از نو تحلیل کرده و فراتحلیلی از آنها ارائه دهد. نتایج این فراتحلیل نشان می‌دهد که در مطالعه موضوع مانند هویت، نظریه‌های جامعه‌شناسی در مقایسه با سایر حوزه‌های علمی کارایی بیشتری دارند. در حالی که مطالعات نظری بر هویت ملی تأکید دارند، در مطالعات تجربی بیشتر بر اهمیت ابعاد فرومی و جهانی هویت تأکید شده است. هم‌چنین بیشتر پژوهش‌ها و مطالعات رویکرد برساختی دارند. بر اساس پیشینه نظری مطالعات هویت در ایران، مهم‌ترین منابع هویتی عبارتند از: زبان فارسی، مذهب تشیع، دین اسلام، فرهنگ شرقی، عرفان شرقی، مدرنیته و تاریخ ملی. در مجموع، می‌توان گفت منابع هویتی متنوع است و این امر با توجه به وزن هر کدام از این عناصر دال بر این واقعیت است که شاکله هویت ایرانی، در همه سطوح آن سامانه‌ای ترکیبی و پیوندی دارند.

کلیدواژه‌ها: برساخت‌گرایی، فراتحلیل، هویت‌یابی، هویت فرومی، هویت ملی.

۱. این مقاله از پروژه‌ای تحقیقاتی درباره هویت، به کارفرمایی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی استخراج شده است. بدین وسیله از مسئولان آن پژوهشکده صمیمانه تشکر می‌کنیم.

* دکتری جامعه‌شناسی نظری - فرهنگی و عضو هیئت علمی دانشگاه رازی کرمانشاه، نویسنده مسئول

** دکتری جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا

*** دکتری جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد هشتگرد

مقدمه

مشکله هویت از نظر تاریخی مبحثی کلاسیک است. مفهوم هویت در رویکردها، گفتمان‌ها و نظریه‌ها متنوع و گسترده بوده و از موضوعات محوری شاخه‌های مختلف معرفت، از فلسفه گرفته تا معارف جدید زبان‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی است. در دهه ۱۹۹۰م، «هویت» به یکی از چارچوب‌های وحدت‌بخش مباحثات روشنفکری و به قول جنکینز (۱۳۸۱: ۱۱) به «نشانه‌ای از روزگار» ما بدل شده بود. امروزه نیز به نظر می‌رسد که جامعه‌شناسان، مردم‌شناسان، دانشمندان علوم سیاسی، روان‌شناسان، جغرافی‌دانان، تاریخ‌دانان و فیلسوفان راجع به آن حرفی برای گفتن دارند. این گفت‌وگوها بسیار متنوع‌اند: از بحث‌های آنتونی گیدنز دربارهٔ تجدد و خودشناسی گرفته تا تأکید پست‌مدرنیستی بر «تفاوت»؛ از تلاش‌های گوناگون فمینیستی برای واکاوی قراردادهای اجتماعی مبتنی بر جنسیت گرفته تا سردرگمی ناشی از احیای ملی‌گرایی و قومیت‌گرایی به مثابه نیروهای مؤثر سیاسی.

هویت مسئلهٔ خاص فرد یا جامعه‌ای نیست، بلکه می‌توان گفت امری جهانی است. در بیشتر جوامع موضوعاتی مانند نوستالژی هویتی، بحران هویتی، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی هویتی و منازعات ناشی از بنیادگرایی هویتی، بخشی از نیروی برنامه‌ریزی سیاست‌گذاران و صاحب‌نظران را به خود اختصاص داده است. بنابراین، به قول استوارت هال (۱۳۸۳: ۳۲۰) باید به پرسش هویت بازگردیم، زیرا «پرسش هویت به سوی ما بازگشته است».

در ایران اسلامی، مسئلهٔ هویت و به‌ویژه بحران هویت در دوره‌های مختلف، از جمله دهه ۱۳۶۰ و اوایل ۱۳۷۰ توجه زیادی را برانگیخته بود. در آن مقطع، بحران هویت علاوه بر آنکه مسئولان و صاحب‌نظران را متوجه مخاطرات برون‌مرزی کرد ملاحظات و موشکافی‌های بسیاری را در باب وضعیت داخل کشور از جمله آثار ادبی، هنری و... سبب شد. برنامه‌های مختلف صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، قوانین و سیاست‌های مربوط به آزادی یا ممنوعیت قانونی ماهواره و نظایر آن از جمله واکنش‌ها و سیاست‌های پیشگیرانهٔ مرتبط با مسئلهٔ هویت و مهم‌تر از آن بحران هویت بوده و هست.

علاوه بر برنامه‌های رسمی دولتی، تألیفات، پژوهش‌ها و سمینارهای انجام‌شده در قلمرو موضوعی هویت نیز نشانهٔ روشن اهمیت حیاتی هویت و مقولات مرتبط با آن است. نمونهٔ این امر، پژوهش مقصودی (۱۳۸۶) است که نشان می‌دهد ۴۰ درصد

پایان‌نامه‌های مقاطع کارشناسی ارشد و دکترای رشته‌های علوم سیاسی در هشت دانشگاه تهران، درباره‌ی زمانی ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۵، به صورت مستقیم و غیرمستقیم به موضوع هویت پرداخته‌اند. به هر روی، فارغ از اینکه عمق تحلیلی مطالعات هویت چقدر است و نتایج آنها از چه سطحی از اعتبار علمی برخوردار است یا اینکه تا چه حد این مشکل برساخته‌ی ذهن و اندیشه‌ی خود محققان است یا چقدر امری واقعی، نفس‌تأکید و تمرکز بر موضوع هویت، تأمل‌برانگیز است. به علاوه، در کنار این تمرکز و تأکید چشمگیر، وزن متغیر هویت در تحلیل و تبیین وضعیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و توسعه‌ای جامعه امر جالب و توجه‌برانگیزی به نظر می‌رسد.

از سوی دیگر، با توجه به جهت‌گیری‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران، مسئله هویت مسئله آینده‌ی ما نیز هست. این‌که نویسنده یا صاحب‌نظری مسئله هویت را بی‌معنی، بیهوده یا برعکس مهم و راهبردی تلقی کند اهمیت چندانی ندارد؛ بلکه حضور مسئله هویت در شرایط و ساختار اجتماعی و تاثیرگذاری آن در تصمیم‌گیری‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و روابط فردی، گروهی و ملی مهم است. بنابراین، جدای از چارچوب فکری اندیشمندان و فارغ از توجه ایجابی و سلبی آنها به موضوع، هویت خود را به مثابه مسئله‌ای اجتماعی بر علوم انسانی و پژوهشگران این حوزه تحمیل کرده است.

اهمیت عام مسئله هویت چه از زاویه نظری و چه از چشم‌انداز عملی و اجتماعی در سه سطح بروز کرده است: سطح اول قلمرو مطالعات نظری هویت در سطوح علمی جهانی؛ سطح دوم مطالعات نظری هویت در جامعه علمی ایران و سطح سوم قلمرو پژوهش‌های تجربی داخلی است. از همین رو، محرک اصلی این پژوهش این نکته بود که این سه سطح از مطالعات هویت تا به حال به مثابه یک مجموعه مطالعاتی مرتبط بررسی نشده بودند و پراکندگی حاصل از این فقدان، ارائه دیدگاهی کلی درباره آنها را ناممکن می‌ساخت. برای نیل به چنین دیدگاهی، در جستار حاضر سعی کرده‌ایم فراتحلیلی از این مطالعات ارائه کنیم. بنابراین مسئله پژوهش این است که مجموعه مطالعات انجام‌شده درباره هویت، از لحاظ ساختاری دارای چه رویکردهای نظری، روش‌شناسی‌ها، جامعه‌ها و نمونه‌های آماری بوده‌اند؛ از نظر نتایج چه دستاوردهایی داشته‌اند و در نهایت چه نقدهایی بر کلیت آنها وارد است.

این مقاله حاصل پژوهشی مفصل و طولانی‌مدت است که خلاصه‌ای از آن در اینجا ارائه شده است. با این حال، به دلایلی مانند عدم دسترسی، یا جهت‌گیری خاص طرح

پژوهش اولیه طبیعی به نظر می‌رسد، اگر مواردی از هر سه سطح از قلم افتاده باشد؛ و امیدواریم این امر چارچوب کلی مباحث و جمع‌بندی‌ها را با مشکل روبرو نکرده باشد.

روش پژوهش

روش انجام این مطالعه، فراتحلیل کیفی است. به طور کلی، هدف فراتحلیل، چه در روش کمی و چه کیفی، ترکیب یافته‌های بیش از یک مطالعه یا به عبارت دیگر مطالعات متعدد برای بازتحلیل و دستیابی به استنتاج یا تفسیری نو و تا حد ممکن همه‌جانبه درخصوص یک پدیده یا موضوع است (سوری، ۱۹۹۹). روش فراتحلیل که امروزه در روش‌شناسی کیفی نیز به فراوانی به کار می‌رود، عبارت از کاربرد داده‌ها یا نتایج چند مطالعه کیفی است. این روش را فراترکیب، فراتحلیل داده، فرامردم‌نگاری، و فراتفسیر کیفی نیز می‌گویند (نوبلیت و هری، ۱۹۸۸). در فراتحلیل کیفی، هدف آن است تا با نگاهی تفسیرمحور به بررسی داده‌ها و یافته‌های مجموعه‌ای از مطالعات مرتبط (اعم از کمی یا کیفی) پرداخته شود (اشتراس، ۱۹۸۷)؛ زیرا آنچه اهمیت دارد بازتفسیر و بازتحلیل یافته‌ها و نتایج در چشم‌انداز استدلالی وسیع‌تر است.

جامعه آماری این مطالعه شامل سه گروه مطالعات نظری خارجی، مطالعات نظری داخلی و پژوهش‌های دانشگاهی داخلی است. دو گروه اول عمدتاً در قالب کتاب بوده و بر اساس مطالعات اکتشافی به مثابه ادبیات نظری پژوهش بررسی شده‌اند. گروه سوم شامل پژوهش‌هایی هستند که در دانشگاه‌های تراز اول در سطوح کارشناسی ارشد و دکتری انجام شده‌اند. برخی از این مطالعات به صورت مقالات علمی - پژوهشی منتشر شده‌اند. از آنجا که در این تحلیل، اعتبار محتوایی آثار مد نظر نبوده، دارابودن عنوان و سؤال هویت برای انتخاب شدن کفایت کرده است. بازه زمانی هر سه گروه، تا سه ماهه اول سال ۱۳۹۰ است. در مجموع، نمونه مطالعات بررسی شده در این مقاله عبارتند از: ۵ مورد نظریه خارجی، ۱۶ مورد نظریه داخلی و ۳۸ مورد پژوهش. این تعداد نمونه، داده‌های کافی برای انجام فراتحلیلی کیفی را در اختیار پژوهشگران قرار داده است. با این حال، صاحب‌نظران معتقدند با تعداد نمونه‌های بسیار کمتر نیز می‌توان فراتحلیل حتی از نوع کمی انجام داد (نک: قاضی طباطبایی و ودادهیر، ۱۳۸۹).

نظریه جامعه‌شناسی و هویت

جامعه‌شناسی به معنای دقیق علمی مربوط به دوران مدرن بوده و موضوع محوری این

رشته نیز نظام اجتماعی مدرن است. از سوی دیگر چنان‌که استوارت هال (۱۳۸۳: ۵۲-۳۱۹) گفته است، هویت به‌طور خاص مسئله یا ویژگی دورهٔ مدرن است. بنابراین هم‌خوانی و سازگاری زمانی و منطقی نیز بین این دو می‌توان مشاهده کرد.

در مجموع از نظر رهیافت، می‌توان سه رویکرد هویتی را از هم تفکیک کرد: الف) رویکرد ذات‌گرا؛ ب) رویکرد گفتمانی؛ و ج) رویکرد برساخت‌گرا.

رویکرد ذات‌گرا جوهری ثابت برای هویت‌ها قائل است. این رویکرد چیزی همیشگی و ابدی را در وجود انسان می‌بیند که هستی او را معنا می‌دهد و همان است که هویت انسان را تعیین می‌کند. این چیز در همهٔ انسان‌ها هست و در وجود همهٔ آن‌ها ثابت و پابرجاست. بر این اساس، نظریهٔ هویتی مدرن نیز (با توجه به نظریهٔ استوارت هال) «ذات‌گرا» است. در کانون این گفتمان، باور به حقیقت جوهر - ماهیت و قابلیت تقلیل‌ناپذیری و تغییرناپذیری آن، و به تبع آن اعتقاد به نقش بلامنازع ماهیت، در ساخت و پردازش شخص و یا شیئی مشخص نهفته است. ابن رشد می‌نویسد: «هویت مترادف معنایی است که بر اسم یک موجود اطلاق می‌شود و از کلمه «هو» مشتق شده است، چنان‌که واژه انسانیت از کلمه انسان مشتق گشته است». (۱) هویت به این مفهوم ما را به یاد مفهوم هویت یا ذات در منطق ارسطو می‌اندازد که عبارت از همانندی و تشابه شیء با ذاتش است. اما، در پاره‌ای از نحله‌های مذهبی، «این‌همانی» انسان با خدا (و نه با ذات خودش) است که هویت‌ساز است. در این جا، «کیستی من»، پاسخ خود را در «من خدا هستم» (أنا الحق)، که حاصل سیر و سلوکی از مرتبه «انانیت» به مرتبه «هویت» و از آنجا تا مقام وحدت بالا است، جست‌وجو می‌کند (تاجیک، ۱۳۸۴: ۳۱). تأکید بر مفاهیمی مانند فطرت انسانی در تشکیل هویت نیز در همین رویکرد جای می‌گیرد.

رویکرد دوم هویت‌ها را دستاورد گفتمان‌ها می‌داند. از این منظر، تمام واقعیت‌های اجتماعی در گفتمان‌ها زاده شده و شکل می‌گیرند و خارج از گفتمان‌ها وجود ندارند. بدین ترتیب، از آنجا که هویت‌ها ریشه در گفتمان‌ها دارند و گفتمان‌ها متغیر و سیال بوده و حقیقت مدار و ذات‌محور نیستند، اگر شرایط گفتمان دگرگون شود هویت هم تغییر می‌یابد. بنابراین، هر فردی استعداد برخورداری از چند هویت را دارد. رهیافت گفتمانی بر چگونگی تولید و سامان یافتن تمایزات و کنش‌های گفتمانی و انکار نقش هرگونه عامل طبیعی و نیز عامل و کارگزار اجتماعی خارج از گفتمان در شکل‌گیری و تعریف هویت‌ها تأکید دارد. نظریه پردازان گفتمانی برخلاف رویکردهای «ذات‌گرا» که می‌کوشند هویت را امری طبیعی و ثابت جلوه دهند، برآنند که هویت امری تاریخی و

محتمل است. از نظر آنها هویت همانند بسیاری پدیده‌های دیگر، محصول «زمان و تصادف» است و با منطقی یا اصلی فراتاریخی تعیین نمی‌شود. همین تاریخی بودن بر این امر دلالت می‌کند که هویت و معنا تغییرپذیرند و مرز بی‌طبیعی وجود ندارد (تاجیک، ۱۳۸۴: ۵۷-۵۹). لذا هویت آدمی پیوسته در حال تغییر است.

کانون رویکرد گفتمانی زبان است (هر چند این رویکرد با رویکرد افرادی مانند شادمان و مسکوب و تأکید آنها بر زبان فارسی متفاوت است). زبان امکانات وجود معنادار را تعریف و در عین حال محدود می‌سازد. بنابراین، هویت هرگز با طبیعت و ماهیت تعیین نمی‌شود و فردیت جلوه‌ای ثابت ندارد. پسا ساخت‌گرایی، انسان عقلانی، منسجم و یکپارچه، طبقه یا سوژه جنسیتی محمل یا منبع نمود هویت را نمی‌پذیرد. نظریه دریدا (چند معنایی مفاهیم و واژگان و نیز «بازی تمایزها»)، بحث تفاوت و تکرار ژیل دلوز و گاتاری (دیدگاه مبتنی مفهوم افقی ریزوم) (۲)، رویکرد زبانی ویتگنشتاین (مبحث بازی‌های زبانی)، نظریه فوکو درباره «خود غربی» و «دیگری» و تبارشناسی علوم (در چارچوب مناسبات قدرت)، منظر پسامارکسیستی لاکلائو و موفه (با مفهوم مفصل‌بندی) و روانکاوی لاکان (شبهت ناخودآگاه و زبان و مرحله آینه‌ای، دیالکتیک شناسایی) یا اندیشه پسااستعماری اسپیواک و هومی بابا (در باب هویت‌های دورگه) همگی در این رویکرد قرار می‌گیرند. در مجموع از این منظر، هر هویتی «فراورده گفتمانی» است که به صورت گفتمانی - تاریخی تعیین می‌یابد؛ بنابراین، همیشه در حال تحول است و نمی‌تواند بر مبنای یک مبنای جهان‌شمول ثابت و عام و فراتاریخی تعریف شود. مشکل اصلی رویکرد گفتمانی، فروکاستن امور و واقعیت‌های انضمامی و اساساً همه چیز به «زبان» است. این رویکرد نه تنها راه هرگونه نقد زبان را به دلیل موقعیت بنیادی آن می‌بندد بلکه واقعیت‌های انضمامی مهم جامعه را نادیده می‌گیرد و به همین خاطر است که هومی بابا متفکر مطالعات پسااستعماری و پیرو آرای لاکان را متهم کرده‌اند که «جهان را از دریچه واژه می‌نگرد». با این حال، رهیافت گفتمانی دست‌کم از لحاظ روش‌شناختی و فلسفه علم، به‌ویژه در باب فضیلت عدم قطعیت و تلاش برای رهایی از کلیت‌های انتزاعی اندیشه دوره روشنگری، در سه دهه اخیر کمک شایانی به علوم رسانده است. حتی از یک نظر می‌توان گفت خود نظریه یا رویکرد برساختی حاصل تلاش‌های متفکران معتقد به ایده‌های جدید و واسازانه رویکرد گفتمانی است. رویکرد سوم هویت را برساخته‌ای اجتماعی می‌داند. بر این اساس، خاستگاه و منبع هویت اجتماعی مکان و جایی استعلایی نیست؛ انسان‌ها نیز آن را در جایی کشف

نکرده‌اند، بلکه حاصل شرایط اجتماعی و کنش‌های انسان‌هاست. از این منظر، معناساز بودن هویت بر برساختی بودن آن دلالت می‌کند؛ معنا خاصیت ذاتی و ازه‌ها و اشیاء نیست، بلکه همیشه نتیجه توافق یا عدم توافق است. بنابراین، معنا می‌تواند موضوع قرارداد باشد و می‌توان بر سر آن به مذاکره و گفت‌وگو نشست. پس هویت نیز چیزی طبیعی، ذاتی و از پیش موجود نیست، بلکه همیشه باید ساخته شود. انسان‌ها باید همواره چیزها یا اشخاص را طبقه‌بندی کنند و خود را در داخل آن طبقه قرار دهند. به بیان دیگر، هویت را فقط می‌توان از طریق انکار آگاهانه ابهام و کنار گذاشتن تفاوت‌ها کسب کرد.

در چارچوب همین رویکرد، گروهی هویت را برساخته‌ای ایدئولوژیک، جغرافیایی-سیاسی یا فرهنگی تلقی می‌کنند. در برساخت‌گرایی فرهنگی، فرهنگ مهم‌ترین و غنی‌ترین منبع هویت است. بر اساس این ایده، افراد و گروه‌ها همواره با توسل به اجزاء و عناصر فرهنگی گوناگون هویت می‌یابند، زیرا این اجزاء و عناصر توانایی چشمگیری در تأمین نیاز انسان‌ها به متمایز بودن و ادغام شدن در جمع دارند. از این دیدگاه، فرهنگ مقوله‌ای تفاوت‌مدار است و شیوه زندگی خاصی را می‌سازد. این تفاوت و خاصیت، نه تنها امکان هویت‌یابی را فراهم می‌کند، بلکه به زندگی انسان‌ها نیز معنا می‌بخشد.

رویکرد برساختی به هویت به این معناست که هویت فاقد هرگونه وجه ذاتی و جاودانه است. با این حال، هویت یک اتفاق نخستین مهم دارد؛ این اتفاق نخستین در تعیین این‌که چه هویتی داشته باشیم نقش مهمی ایفا می‌کند. تولد به عنوان یک نقطه شروع و سپس جامعه‌پذیری در یک ساختار خانوادگی، گروهی، سازمانی، سیاسی و نهادی خاص با سازوکارهای پیچیده و دشوار فهم کیستی فرد یا جمع را تعیین می‌کنند و در این فرآیند طولانی و زمان‌مند به نظر نمی‌رسد هیچ امر ذاتی اعمال نفوذ کند. ویژگی دیگر رویکرد برساختی در این است که در مقام عمل و در پاسخ به پرسش از واقعیت‌های موجود هیچ کمبودی احساس نخواهد کرد، درحالی‌که در رویکردهای ذات‌گرا و گفتمانی این پرسش‌ها در موارد بسیاری بی‌پاسخ می‌مانند. برای مثال ذات‌گرایان نمی‌دانند در قبال تغییرات به وجود آمده در جهان واقعیت چه واکنشی نشان دهند. آیا اصلاً اشاره به وجود یک ذات در مورد هویت می‌تواند به تحلیل اجتماعی کمک کند؟

ویژگی دیگر رویکرد برساختی این است که منابع هویتی را نه در جهان مطلق و انتزاعی و نه در جهان زبانی، بلکه در جهان واقعی می‌جوید. از یک سو توسل به ایده‌های فلسفی ذات و فطرت، چنان جهان‌شمول و بزرگ‌دامنه است که به نظر نمی‌رسد بتواند سطوح، اشکال و تفاوت‌های هویتی را بیان کند؛ و از سوی دیگر زبان

نیز از توضیح بسیاری از واقعیت‌های اجتماعی، تغییرات و تحولات واقعی ناتوان است. رویکرد برساختی با تکیه بر عناصر عمدتاً اجتماعی به شکل‌گیری هویت‌ها، تفاوت‌های هویتی و سایر مسائل مربوط به آن پاسخ می‌دهد.

یکی دیگر از مفروضه‌های این رویکرد نظری، چندبعدی بودن هویت‌ها است. بر اساس نظریه برگر (۱۳۸۱) جهان‌پسااستی (مدرن) جهان چندگانه‌شدن قلمروهای عمومی و خصوصی است. این چندگانگی زیست‌جهانی در زندگی روزمره فرد حضور پیدا می‌کند و باعث برنامه‌ریزی‌های متکثر از سوی وی می‌شود. در این برنامه‌ریزی هویت فرد نیز لحاظ می‌شود، زیرا فرد در برنامه‌ریزی بلندمدت زندگی خویش در زمینه این‌که چه کسی خواهد بود برنامه‌ریزی می‌کند. مرکزیت این برنامه‌ریزی معنایی است که او به زندگی‌نامه خویش و نیز معانی فراگیر جامعه نسبت می‌دهد که همگی به بروز پیامدهای بسیار مهم هویتی برای فرد دامن می‌زنند. در اینجا فرد هویت را از طریق تعریف خود به دست می‌آورد، بنابراین هویت بخشی از یک ساختار معین آگاهی است. موضوع آگاهی از هویت در تعریف جنکینز (۱۳۸۱) از هویت نیز عنصری محوری است. به نظر او «فعل شناسایی لازمه هویت است». اما جنکینز از این فراتر می‌رود و معتقد است هویت صرفاً وجود اطلاعات نیست، بلکه باید به این امر توجه کرد که «هویت چگونه عمل می‌کند» و نیز باید «فرایندی و تأملی بودن هویت و تعامل آن با نهادهای اجتماعی» را در نظر داشت.

برگر معتقد است هویت مدرن مشخصاً باز، تفکیک‌شده، فردیت‌یافته و تأملی است. این ویژگی‌ها را می‌توان در نظریات گیدنز، جنکینز، هال و تا حدی کاستلز نیز پیدا کرد. یکی دیگر از نکات مشترک این نظریه‌ها توجه به عناصر اصلی برسازنده هویت از جمله زندگی روزمره است. برگر با مفهوم «برنامه‌ریزی زندگی»، گیدنز با «زندگی‌نامه شخصی» و جنکینز با مفاهیمی از قبیل «تجسدیافتگی» هویت به اهمیت این امر صحنه می‌گذارند. بنابراین می‌توان گفت در برساختن هویت عناصر اجتماعی کلان و عناصر فردی خرد در دیالکتیک درونی - بیرونی نقش ایفا می‌کنند.

جنکینز (۱۳۸۱)، هم‌داستان با نظریه «چندگانه‌شدن زیست‌جهان» معتقد است هویت‌های اجتماعی متغیر و انعطاف‌پذیر هستند. به‌علاوه به قول استوارت هال (۱۳۸۳): ۳۱۹-۳۵۲ استفاده از واژه جمع «هویت‌ها» به جای واژه مفرد «هویت» دلالت بر این نکته دارد که دوره سوژه (هویت) یکپارچه روشنگری و نیز جامعه‌شناسی گذشته است. بنابراین نه یک هویت بلکه هویت‌های متعدد و آن هم نه ثابت و ایستا بلکه سیال و

پویا وجود دارند. تعدد ابعاد بیش از آن که نشانهٔ بحران هویت باشد نماد هویت پیوندی (دورگه) است.

واکاوی عمیق‌تر مبحث رویکردهای نظری هویت به فرصت بسیار بیشتری نیاز دارد، لذا در این قسمت به مقایسهٔ مهم‌ترین نظریه‌های هویت می‌پردازیم. چنان‌که در جدول شمارهٔ ۱ آمده، به نظر می‌رسد مهم‌ترین نظریه‌های هویت در آثار گیدنز (۱۳۸۰)، (۱۳۸۲)، جنکینز (۱۳۸۱)، استوارت هال (۱۳۸۳، ۱۹۹۰، ۱۹۹۶)، پیتر برگر (۱۳۸۱) و مانوئل کاستلز (۱۳۸۵) طرح شده‌اند. (۳)

در این نظریه‌ها در مقولاتی مانند سطح تحلیل، رویکرد یا نوع عوامل برسازندهٔ هویت تمایزات و تشابهاتی وجود دارد که مقایسهٔ آنها مفید به نظر می‌رسد. چنان‌که مشاهده می‌شود از نظر رویکرد، همهٔ نظریه‌ها تقریباً دارای رهیافت برساخت‌گرایانه هستند. مهم‌ترین ویژگی رویکرد برساخت‌گرایانه توجه به اهمیت واقعیت‌های مادی و غیرمادی جامعه به جای مفاهیمی مانند ذات و ماهیت یا گفتمان و زبان در برساختن هویت است. توجه به عوامل مؤثر بر هویت‌سازی که در ستون آخر جدول شمارهٔ ۱ به نام منابع هویتی درج شده به خوبی نشان می‌دهد که هویت نه امری ذاتی و فطری یا چیزی حاصل از زبان (در معنای زبان‌شناختی آن) بلکه امری واقعی و حاصل تعاملات و ترکیبات مختلف عناصر انضمامی و واقعی است.

ویژگی دوم، در زمینهٔ برساختی بودن هویت، این است که هویت حاصل دیالکتیک بین دو سطح خرد و کلان یا به عبارت بهتر کارگزار و ساختار است و به همین دلیل در بیشتر موارد از هویت به عنوان امری جمعی و نه فردی نام برده شده است.

یکی از تمایزهای مهم میان این نظریه‌ها، تفاوت هستی‌شناختی هویت است؛ درحالی‌که همه معتقدند هویت محصول جامعه و فرایندهای فردی و جمعی است، یک گروه (گیدنز و جنکینز) بر این نظرند که هویت نه یک امر یا موجودیت گسسته و چندگانه بلکه هستی واحدی است، اما گروه دوم (کاستلز، هال و برگر) معتقدند هویت امری واحد نیست و هر فرد یا گروهی می‌تواند هویت‌های متعدد داشته باشد. با این حال، به رغم تفاوت فوق‌الذکر همهٔ نظریه‌های طرح شده در این گروه بر این نکته اشتراک نظر دارند که هویت امری متغیر است نه ایستا. به بیان دیگر، هویت چیزی نیست که از ابتدای زندگی یا قبل و بعد از آن به کسی اعطا شود و تا آخر عمر پایدار بماند بلکه به دلایل گوناگون همواره در حال تغییر و دگرگونی است.

جدول شماره ۱: مقایسه نظریه‌های اصلی جامعه‌شناسی در موضوع هویت

منابع هویت	ویژگی بنیادی	ویژگی هستی‌شناختی	بعد هویت	سطح تحلیل	رویکرد	شاخص‌ها نظریه پرداز
زندگی روزمره، زمان گذشته، مکان، سبک زندگی، رسانه‌ها، اعتماد به دیگران، موقعیت‌های نهادی	متغیر	یکپارچه	فردی	ساختار/ کارگزار	برساخت‌گرا	گیدنز
فرایند اجتماعی شدن، فرایندهای جاری تعامل، تن، قدرت و سیاست، نهادها، زمان و مکان، گذشته، خویشاوندی، قومیت	متغیر	یکپارچه	فردی / جمعی	ساختار / کارگزار	برساخت‌گرا	جنکینز
تاریخ، جغرافیا، زیست‌شناسی، نهادهای اجتماعی، خاطره جمعی، رؤیاهای شخصی، دستگاه قدرت، وحی و الهامات دینی، قومیت	متغیر	گسسته	جمعی	ساختار / کارگزار	برساخت‌گرا	کاستلز
نظام فرهنگی، زمان گذشته، روایت ملت، سنت‌های اختراعی، اسطوره بنیادین، قومیت، تعلق به مکان	متغیر	گسسته	جمعی	ساختار / کارگزار	برساخت‌گرا	هال
برنامه زندگی، زیست‌جهان، آگاهی	متغیر	گسسته	فردی	کارگزار	برساخت‌گرا	برگر

اندیشمندان ایرانی و مسئله هویت؛ مطالعات نظری هویت

در صد سال گذشته، استقبال گسترده و مقلدمآبانه از فرایندها و تجربه‌های مدرن که در آن روزها در کشورهای جهان سوم به گرایش جمعی و جزئی از ناخودآگاه سیاسی مردم و مسئولان بدل شده بود، پیامدها و مسائلی (عمدتاً فرهنگی) را برای این جوامع آفرید که هنوز هم دامن‌گیر آنهاست. بیشتر کشورهایی که امروز با نام کشورهای در حال توسعه و حتی به نسبت توسعه‌یافته شناخته می‌شوند با چالش‌های پیامدی این فرایندها مواجه بوده‌اند؛ مروری بر تاریخ معاصر نشانه‌های روشنی از این موضوع به دست می‌دهد. صورت‌های مواجهه با فرایند تاریخی مدرنیته در کشورهای دارای فرهنگ و سنت‌های دیرینه‌تر (برای نمونه، ایران، مصر) بسیار مهم‌تر جلوه کرده است، زیرا نیرومندی و بنیان‌برافکنی مدرنیته در مقابل سنت‌های نیرومند تاریخی فرهنگی و دینی و سیاسی این جوامع قرار گرفته است. بنابر این تقابل، ادبیات پژوهشی در زمینه مدرنیته و انواع متعلقات و ملزومات آن ایجاد شده و انواع گفتمان‌ها و پادگفتمان‌های بومی، محلی و بین‌المللی ظهور کرده‌اند.

یکی از محورهای اصلی این منازعات فکری موضوع هویت بوده است. در سطح ملی، هم‌چون سطح جهانی، هویت برای ایران معاصر، به هیچ وجه پرسش جدیدی نیست. تاریخ معاصر ایران با پرسش هویت، گفتمان‌های هویت، بحران هویت، بیگانگی هویت، هویت خودی و دیگری هم‌نهاد و عجین شده است. این آمیختگی چنان است که می‌توان همه فرایندهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی اعم از فرایند نوگرایی، توسعه، مشروطه‌خواهی، قیام‌های اجتماعی و حتی انقلاب اسلامی را، حول محور هویت (پرسش هویت) از نو صورتبندی کرد. حجم مطالعات نظری، پژوهش‌ها، برنامه‌های فرهنگی، سیاستگذاری‌ها و قوانین، شاخص مناسبی برای تأکید بر کانونی بودن موضوع هویت است.

مهم‌ترین نظریه‌های فرهنگی تاریخ معاصر ایران نقش مدرنیته و تعامل ما با آن را در شکل‌دهی به فرهنگ و هویت ایرانی یادآور شده‌اند؛ هرچند به نظر می‌رسد در برخی از آنها اشاره مستقیمی به مفهوم هویت وجود ندارد. آثار موجود نشان می‌دهد بخش عمده‌ای از نویسندگان ایران در آثار خود به نحوی از انحاء، به مسئله هویت پرداخته‌اند و بسته به گفتمان، زمان و مکان اثر به تفحص در باب هویت دست زده‌اند که مهم‌ترین موارد آن عبارتند از بروجردی (۱۳۷۷)، تاجیک (۱۳۸۴)، حیدری (۱۳۸۳)، رجایی (۱۳۸۲)، سروش (۱۳۷۵)، شادمان (۱۳۸۲)، شایگان (۱۳۷۱)، شریعتی (۱۳۶۴)، طباطبایی

(۱۳۷۴)، عنایت (۱۳۵۱)، نصر (۱۳۶۱)، کاجی (۱۳۷۸)، کچویان (۱۳۸۴)، گل محمدی (۱۳۸۳)، مسکوب (۱۳۷۹) و میرمحمدی (۱۳۸۳). اینها مواردی هستند که به صورت خاص به لحاظ نظری به مسئله هویت پرداخته‌اند و در کنار آنها می‌توان موارد دیگری، مانند آل‌احمد، جمال‌زاده و نویسندگان، ادبا و شعرای دیگری را نام برد که هر کدام با توجه به نوع و ژانر آثار خود، گوشه چشمی به موضوعات مرتبط با سنت، مدرنیته و هویت ایرانی داشته‌اند. فارغ از محتوای این آثار و اعتبار و روایی چنین مطالعاتی، جمع‌بندی فراتحلیل آنها به شرح زیر است:

۱- نقطه مشترک همه صاحب‌نظران نامبرده تأکید بر همبستگی و هم‌زمانی ورود شکل خاصی از مدرنیته به ایران و پیدایش مسئله‌ای به نام هویت و در نتیجه بحران هویت است.

۲- از حیث منابع هویتی، توافق و اجماع کاملی وجود ندارد اما در مجموع می‌توان گفت زبان فارسی، مذهب تشیع، دین اسلام، فرهنگ شرقی، عرفان شرقی، فطرت، مدرنیته و تاریخ ملی، مهم‌ترین عناصر تعیین‌کننده هویت ایرانی هستند.

۳- تعدد منابع هویت مذکور در بند بالا دال بر این واقعیت است که شاکله هویت ایرانی، در همه سطوح آن سامانه‌ای ترکیبی و پیوندی (دورگه) دارد.

۴- پیوندی بودن هویت (فردی یا جمعی) ایرانی خود بر تغییرپذیری و تاریخی بودن آن دلالت می‌کند. این حالت پیوندی، بدون شک نتیجه شرایط واقعی ناخالص و تلفیقی و حتی آشفته است و گرنه بسیاری از نویسندگان، هویتی ناب و یکدست را آرزو دارند. ۵- سطح ملی هویت در بیشتر موارد (به استثنای مطالعه کچویان) مهم‌ترین مسئله است و مشکله هویت در سطوح فروملی^۱ (به استثنای تاجیک) طرح نشده است.

۶- رویکردهای مورد استفاده برای صورتبندی مسئله در موارد مختلف شامل چشم‌اندازهای معرفت‌شناسانه، روش‌شناسانه و هستی‌شناختی و گاه ترکیبی از هر سه بوده است.

۷- ادبیات نظری موجود در موضوع هویت را می‌توان با توجه به رهیافت روش‌شناختی آنها به موضوع، به دو دسته واقع‌گرا و آرمان‌گرا تقسیم کرد.

۸- راهکارهای ارائه شده برای مسئله هویت متنوع‌تر از سایر موارد است. این راهکارها بسته به موضع نویسندگان در قبال غرب و شرق و اسلام طیفی را تشکیل داده

است که در یک قطب آن بازگشت به خویشتن (خویشتن در معانی متفاوت فطرت، اسلام، تشیع، ایران باستان و...)، قرار دارد که گاهی تا مرز بی‌اعتبار کردن بنیان‌های مدرنیته و غرب پیش می‌رود و در سوی دیگر مسامحه و مدارا، شناخت کامل غرب و مدرنیته، گزینش بخش‌های خاص از فرهنگ غرب و شناخت غرب.

۹- هویت به معنای یکسانی و شناسایی آن همواره نگاه به گذشته (به مثابه امری تاریخی یا قدیمی بشری) دارد و این نکته در آرای صاحب‌نظران انتخاب شده مشهود است. بر این اساس، یکی از نکات ضمنی برآمده از این بررسی کوتاه این است که در هنگام بحث از مسئله هویت و موضوعات مرتبط با آن، اثر و نشان چندان از متفکران عمدتاً خوشبین‌تر به غرب (به قولی همان غربزده یا روشن‌فکر) دیده نمی‌شود. به نظر می‌رسد مسئله هویت به دلیل گذشته‌محور بودنش نزد خوانندگان و هواداران جدی مدرنیته هیچ‌گاه مسئله نبوده است.

۱۰- نظریه‌های مورد بحث را می‌توان از چشم‌اندازهای مختلف نقد کرد اما آنچه در اینجا اهمیت دارد این نکته است که تمام مطالعات ذکر شده صورت نظری دارند و هیچ‌کدام با مطالعه تجربی همراه نشده تا بتوان نتایج آنها را بررسی کرد. با این حال این به معنای صحت و درستی تام ایده‌های نظری طرح شده هم نیست، زیرا از این نظر نیز می‌توان با توجه به ابعاد معرفت‌شناختی یا روش‌شناسی ایرادهای منطقی آنها را بررسی کرد.

پژوهشگران ایرانی و مسئله هویت؛ مطالعات تجربی هویت

چنان‌که دیدیم ادبیات نظری به نسبت گسترده‌ای درباره هویت وجود دارد. به همین منوال در زمینه مطالعات تجربی نیز می‌توان رساله‌ها و پژوهش‌های متعددی را یافت که دست‌کم در عنوان شامل مفهوم هویت هستند. در این قسمت به مهم‌ترین این عناوین می‌پردازیم که در مقاطع بالای تحصیلی و در دانشگاه‌ها و سازمان‌های پژوهشی معتبر انجام شده‌اند. مرور این مطالعات هم در ترسیم چشم‌انداز این حوزه و هم در انتخاب نوع متغیرها و شاخص‌ها به پروژه‌های مطالعاتی هویت کمک می‌کند. یادآوری می‌کنیم که به رغم انتقادات روشی و نظری وارد بر این پژوهش‌ها، در این مرور به منظور رعایت ایجاز، از نقادی نظری پرهیز شده و تلاش کرده‌ایم مزایا و نقایص آنها را در گزینش بخش چارچوب نظری و شاخص‌سازی در نظر بگیریم. از هر پژوهش محورهای اصلی مانند مسئله پژوهش، جامعه آماری، چارچوب نظری و نتایج مهم و

مرتبط بررسی شده است. ما این سه محور را به تفکیک در دو جدول جداگانه خلاصه کرده‌ایم؛ در یک جدول (شماره ۲) محورهای روشی و در دیگری (شماره ۳) بخش نظری و یافته‌های پژوهش طبقه‌بندی شده است.

با بررسی مطالعات پژوهشی می‌توان ویژگی‌های مهم آنها را به شرح زیر خلاصه کرد:

۱- چهار گونه کلی هویت اجتماعی، ملی، فروملی و جهانی در این مطالعات بررسی شده است. دو مقوله هویت فروملی و هویت جهانی در مجموع بیش از هویت ملی مورد توجه قرار گرفته‌اند. در این مطالعات به رابطه دو گونه هویت ملی و فروملی (بیشتر قومی) بیش از سایر موارد پرداخته شده است؛ با این حال، هویت ملی به عنوان هویت محوری و سایر هویت‌ها (هویت‌های فروملی) به عنوان عوامل بحران‌ساز آن در نظر گرفته شده‌اند.

۲- تغییرات موضوعی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که با گذشت زمان محور مطالعات هویتی از سطح فروملی به سطح ملی تغییر کرده است. به بیان بهتر به نظر می‌رسد با تغییر دولت در سال ۱۳۸۴ تمایلات پژوهشی رسمی و غیررسمی به سمت انجام پژوهش‌های سطح ملی هویت تغییر کرده است. درحالی‌که در یک دهه پیش از آن، که آن هم تغییرات سیاسی - اجتماعی دیگری از نوع اصلاح‌طلبی را به خود دیده بود، بیشتر مطالعات به سطوح فروملی و مدرن هویت توجه داشتند. (۴) توجه بیشتر به هویت‌های فروملی و جهانی از یک سو بر تأثیرپذیری محققان از نظریه‌های جدید هویت دلالت دارد که معمولاً با منطق عدم قطعیت و سیالیت پست‌مدرنیستی هم‌خوان است و از سوی دیگر، نشان‌دهنده این نکته است که تغییرات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی اخیر از عوامل مؤثر بر برساختن الگوهای هویتی بوده است.

۳- در مجموع، می‌توان گفت متغیرهای مستقل (مانند جهانی‌شدن، رسانه‌های جمعی، سرمایه اجتماعی، تعاملات اجتماعی گسترده، محرومیت نسبی، قومیت، سبک زندگی، فضای مجازی، اینترنت) این پژوهش‌ها بیشتر در حوزه عواملی هستند که به نام عوامل مدرن مطرح می‌شوند. بنابراین، فراوانی این متغیرها در مطالعات انجام‌شده نیز بیانگر اهمیت مواجهه‌ای است که بین نظام اجتماعی ما و فرایندهای مدرنیته رخ داده و ما در بخش ادبیات نظری به تفصیل به آن پرداختیم.

۴- در جداول مرتبط، فرضیه‌های پژوهش‌ها بررسی نشده است. دلیل صرف نظر ما از این موضوع به کاستی‌هایی مربوط می‌شود که در پژوهش‌های مورد نظر وجود داشته است. در این پژوهش‌ها، بین تعداد فرضیه‌ها، پرسش‌های پژوهش و متغیرها تناسب

منطقی وجود ندارد؛ به جای طرح کردن فرضیه‌های کلی و محدود، تعداد فراوانی فرضیه‌های جزئی طرح شده است. به علاوه، این تنوع عجیب فرضیه‌ها در بخش انتخاب چارچوب نظری نیز محققان را به انتخاب‌های معمولاً متناقض واداشته که به شدت اعتبار تحقیق را کاهش داده است.

۵- روش تحقیق پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در بیشتر موارد از روش‌ها و فنون پیمایشی استفاده شده است. این وضعیت می‌تواند بیانگر دو نکته باشد. نخست این که محققان مورد نظر به هر دلیل از روش‌های غیرکمی و غیرپیمایشی استقبال نکرده‌اند؛ دوم این که بررسی موضوع هویت، به ویژه با هدف تبیینی، با روش‌های پیمایشی ظاهراً بهتر نتیجه می‌دهد.

۶- به دلیل پراکندگی شدید در جامعه‌های آماری این پژوهش‌ها، امکان ترسیم صورتی از همگرایی کلی بین مطالعات بسیار دشوار است. یکی از انتقادات در زمینه انتخاب جامعه آماری این است که هنگام بررسی هویت باید در انتخاب سن پاسخگویان بسیار دقت کرد. از آنجا که هویت، آگاهی به تمایزات و تشابهات خود با دیگران است، در سنین پایین و حتی در دوره تحصیلات دبیرستانی نیز رسیدن به چنین خودآگاهی دشوار است؛ در باب انتخاب دانشجویان به عنوان نمونه آماری، با در نظر گرفتن فضاهای رادیکال و بسیار مداراگرانه دانشجویی، مخاطره قطعی شدن نگرش به هویت و پاسخ‌های آنها وجود دارد. در چنین زمینه‌ای، آنها معمولاً رسالت اجتماعی خیالی برای خود قائل هستند و به جای نمایندگی گرایش‌های خود بیشتر تصور می‌کنند که باید بازنمایاننده جمعیتی باشند که از آن برآمده‌اند، یا روی به سوی گروه مرجعی دارند که تمایل دارند در آینده احتمالی به عضویت آن درآیند. بنابراین، انتخاب این گروه‌ها به عنوان نمونه آماری، اعتبار پژوهش را با پرسش روبه‌رو می‌کند. به نظر می‌رسد به جز در مواردی مانند پژوهش‌های ملی و رسمی، در موارد دیگر مهم‌ترین ملاک برای انتخاب نمونه دسترسی آسان و هزینه و زمان کم انجام مرحله جمع‌آوری داده‌ها بوده است. این نقیصه، با توجه به اهمیت موضوع نمونه‌گیری به‌ویژه در زمینه هویت اشکال بزرگی در پژوهش‌های صورت گرفته در مورد هویت به شمار می‌آید.

۷- پراکندگی نمونه‌های آماری در جای خود می‌تواند تنوع جامعه ایرانی را در بعد هویتی به خوبی نشان دهد، با این حال همین پراکندگی باعث شده تا امکان تحلیل روندها و مسیرهای هویت‌یابی و تغییرات احتمالی آن در طول زمان از کف برود. با مقایسه برخی مطالعات نزدیک به هم می‌توان به نتایجی مبهم ولی مشابه و گاهی

متناقض دست یافت؛ اما از آنجا که حتی مطالعات ملی رسمی هم به شکل مطالعات طولی انجام نشده‌اند، و نیز به دلایل روش‌شناختی نمی‌توان نتایج مطالعات را به صورتی معتبر با هم مقایسه کرد تا تصویری از پویایی‌های هویتی ارائه شود.

جدول شماره ۲: مرور روش‌شناسی مطالعات تجربی هویت در ایران

پژوهشگر	ابعاد	سؤال اصلی	متغیر مستقل	روش و ابزار تحقیق	جامعه آماری
میرمحمدی (۱۳۷۴)		مؤلفه‌های هویت فرهنگی و قومی بلوچ‌ها و نسبت آن با هویت ملی	پایگاه اجتماعی - اقتصادی	پیمایش: پرسشنامه	خانواده‌های بلوچ زاهدان
محمدی (۱۳۷۹)		میزان گرایش به هویت مدرن	مذهب، زبان، پوشش، پابندی به رسوم	پیمایش: پرسشنامه	دانش‌آموزان پایه سوم مریوان
رزازی‌فر (۱۳۷۹)		شناخت ابعاد هویت ملی	مشروعیت، عام‌گرایی، عدالت، تعاملات	پیمایش: پرسشنامه	ساکنان بالای ۱۸ سال مشهد
یوسفی (۱۳۸۰)		تأثیر روابط بین قومی بر هویت اقوام	روابط بین قومی	تحلیل ثانویه	طرح ملی
احمدلو و افروغ (۱۳۸۱)		تأثیر هویت ملی بر هویت قومی	هویت ملی	پیمایش: پرسشنامه	جوانان ۲۰ تا ۳۰ سال تبریز
دوران (۱۳۸۱)		تأثیر فضای سایبرنتیک بر هویت اجتماعی	فضای سایبرنتیک	شبه‌آزمایشی	دانشجویان دانشگاه تهران
فرجی (۱۳۸۰)		صورت‌بندی هویت جدید زنان و تغییر نگرش آنها به احکام رساله‌ای	تحولات معرفت‌شناختی	پیمایش: پرسشنامه	دانشجویان دختر دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران
ارشد فردی گردی (۱۳۸۱)		تأثیر مدرنیته بر بحران هویت جوانان	عوامل اجتماعی مدرن	پیمایش: پرسشنامه	دانشجویان کارشناسی دانشگاه تبریز
بابائی‌فرد (۱۳۸۲)		عوامل مؤثر بر بحران هویت در جامعه معاصر ایران	سازوکارهای هویت‌سازی	پیمایش: پرسشنامه	دانش‌آموزان پسر دبیرستان‌های تهران

زنان ۲۵ تا سال ۴۵ تهران	پیمایش، مصاحبه عمیق	سبک زندگی، باورهای دینی، اعتماد بنیادین، هويت نقشی، تحصيلات	اهمیت منابع فرهنگی و مادی در بازتعریف هويت اجتماعی زنان	رفعت‌جاه (۱۳۸۳)
دانشجویان دانشگاه تبریز	پیمایش: پرسشنامه	جنسیت، مذهب، قومیت، رشته	رابطه هويت محلی و هويت جهانی	آرمی (۱۳۸۳)
افراد بالای سال ۱۵ سیستان	پیمایش: پرسشنامه	سیاست قومی	نابرابری اجتماعی و هويت قومی	گودرزی (۱۳۸۳)
وبلاگ‌نویسان ایرانی	پیمایش: پرسشنامه	فضای مجازی و بلاگ	تأثیر محیط مجازی در ابراز هويت	خلیلی (۱۳۸۴)
جوانان ۱۵ تا سال ۳۵ پیرانشهر، فعال در اقتصاد مرزی	مشاهده مشارکتی، مصاحبه	رسانه‌ها، جهانی شدن، تحولات منطقه‌ای، تحصيلات، خودآگاهی قومی	احساس تعلق به هويت ملی و هويت قومی	آموسی (۱۳۸۴)
گروه‌های قومی فضای مجازی	پیمایش: پرسشنامه	اینترنت	جهان مجازی و هويت قومی	عیاری (۱۳۸۴)
دانشجویان تهرانی دانشگاه آزاد	پیمایش: پرسشنامه	رسانه‌ها، پایگاه اجتماعی، مذهبی بودن	نقش رسانه‌ها در هويت بازاندیشانه	شالچی (۱۳۸۴)
نورآباد، صحنه، هرسین	پیمایش: مصاحبه	مدرنیته، مذهب	تأثیر جهانی شدن بر قومیت	قلی‌پور (۱۳۸۴)
دانشجویان	مشاهده مشارکتی، مصاحبه عمیق	ماهواره و اینترنت	تأثیر جهانی شدن بر هويت‌های دینی	کلاهی (۱۳۸۴)
دانشجویان کرد و آذری دانشگاه تهران	پیمایش: پرسشنامه و مصاحبه	سبک زندگی، رسانه‌ها، زبان، مشارکت	رابطه الگوهای محلی، ملی و جهانی هويت و قومیت	نصرتی (۱۳۸۴)
جوانان ۱۵ تا سال ۲۰ مهاباد و تبریز	پیمایش: پرسشنامه	سرمایه اجتماعی	رابطه سرمایه اجتماعی با روابط قومی و هويت ملی	رضایی و احمدلو (۱۳۸۴)

نیازی و کارکنان (۱۳۸۶)	تأثیر سرمایه فرهنگی خانواده بر هویت اجتماعی	سرمایه فرهنگی	پیمایش: پرسشنامه	دانشجویان دانشگاه کاشان
رضایی و همکاران (۱۳۸۶)	رابطه هویت ملی و قومی	هویت ملی	پیمایش: پرسشنامه	ترکمن‌های آق‌قلا، بندر ترکمن، گنبد کاووس، کلاله و مراوه تپه
داوری اردکانی (۱۳۸۶)	زبان فارسی و هویت ایرانی	زبان فارسی	پیمایش: پرسشنامه	شهروندان تهرانی
مریدی و تقی‌زادگان (۱۳۸۶)	بحران هویت	جنسیت، عوامل اجتماعی و تعاملات	پیمایش: پرسشنامه	دانش آموزان دبیرستان‌های لار
مقدس جعفری و همکاران (۱۳۸۷)	رابطه هویت ملی و قومی	احساس نابرابری، پایگاه اجتماعی، تعامل اجتماعی	پیمایش: پرسشنامه	دانشجویان دانشگاه پیام‌نور سقز
مقدس و حیدری (۱۳۸۷)	عوامل مؤثر بر هویت طایفه‌ای و ملی	عقلانیت، روابط اجتماعی باز، صریح، با اعتماد	پیمایش: پرسشنامه	ساکنان نورآباد ممسنی
اکوانی (۱۳۸۷)	گرایش به هویت قومی و ملی	وضعیت اقتصادی	پیمایش: پرسشنامه	عرب‌های بالای ۱۸ سال و دیپلم شهرهای استان خوزستان
صدیق سروستانی و حاجیانی (۱۳۸۷)	منابع هویت	ندارد	پیمایش: پرسشنامه	جامعه ایران (طرح ملی)
حاجیانی (۱۳۸۷)	نسبت هویت قومی و ملی	هویت قومی	پیمایش: پرسشنامه	اقوام ایرانی کرد، لر، آذری، بلوچ، عرب و ترکمن

ادبی و همکاران (۱۳۸۷)	جهانی شدن فرهنگ و هویت اجتماعی	جهانی شدن	پیمایش: پرسشنامه، مصاحله	جوانان ۱۸ تا ۳۰ ساله اصفهان
آزادمرزآبادی (۱۳۸۷)	رابطه نظام ارزشی و هویت ملی	نظام ارزشی	پیمایش: پرسشنامه	دانش آموزان دبیرستان‌های تهران
ملکی و عباسپور (۱۳۸۸)	تأثیر جهانی شدن، رسانه‌های خارجی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و رضایت اجتماعی بر هویت	جهانی شدن، رسانه‌های خارجی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی رضایت اجتماعی	پیمایش: پرسشنامه	جوانان ۱۶ تا ۲۹ سال شهرستان رودسر گیلان
نواح و همکاران (۱۳۸۹)	ابعاد هویت قومی و رابطه آن با هویت ملی، گرایش سیاسی و خشونت جمعی	هویت قومی	پیمایش: پرسشنامه	شهروندان عرب اهواز
جهانگیری و معینی (۱۳۸۹)	رابطه سرمایه اجتماعی و هویت ملی	سرمایه اجتماعی	پیمایش: پرسشنامه	دانشجویان دانشگاه شیراز
باقری و سلیمان‌نژاد (۱۳۸۹)	بررسی جامعه‌شناختی هویت جوانان	پایگاه اقتصادی - اجتماعی	پیمایش: پرسشنامه	دانش آموزان دبیرستان‌های شهر ایلام
باهنر و جعفری (۱۳۸۹)	تأثیر تلویزیون بر هویت فرهنگی	برنامه‌های تلویزیون	پیمایش، تحلیل محتوا	سریال‌ها و اخبار: افراد بالای ۱۹ سال شهرهای تهران، ارومیه، مشهد، اصفهان، شیراز
حقیقتیان و همکاران (۱۳۹۰)	عوامل مؤثر بر هویت ملی	دوستان، خانواده، تلویزیون، ماهواره، اوقات فراغت، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، رشته و کلاس، کتاب درسی	پیمایش: پرسشنامه	دانش آموزان مقطع متوسطه اصفهان
ربانی و همکاران (۱۳۹۰)	رابطه احساس محرومیت نسبی با گرایش به هویت ملی	محرومیت نسبی	پیمایش: پرسشنامه	دانشجویان دانشگاه اصفهان

درباره بخش نظری و یافته‌های پیشینه پژوهشی (جدول شماره ۳) این مطالعه می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

۱- دو دسته نظریه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی در این پژوهش‌ها دیده شده است. در نظریه‌های جامعه‌شناسانه، نظریه‌های گیدنز، جنکینز، هال و نظریه کنش متقابل (مید، کولی، بلومر) و در بین دیدگاه‌های نظری روان‌شناختی، نظریه هویت تاجفل دارای بیشترین فراوانی است. استفاده بیشتر از مبانی نظری جامعه‌شناختی تأکیدی بر اهمیت بیشتر هویت به مثابه امری اجتماعی است و این همان نکته‌ای است که جنکینز بر اهمیت آن بسیار تأکید دارد.

۲- استفاده بیشتر از نظریات گیدنز، جنکینز و هال، چنان‌که گفته شد، به ویژه با توجه به نظریه مدرنیته تأملی و هویت بازاندیشانه گیدنز و نظریه هویت‌های جدید و سیالیت هویت در آرای هال، بیانگر تأثیرپذیری محققان داخلی از فضای اندیشه‌های جدید هویت است. در همان حال این وضعیت با توجه بیشتر به هویت‌های فروملی و جهانی در مقایسه با هویت ملی سازگاری منطقی و نظری دارد.

۳- در نقد چشم‌انداز نظری مطالعات بررسی شده، اشاره به انسجام درونی چارچوب‌های نظری آنها ضروری است. طبق مطالعات و تجارب نویسندگان یکی از آفت‌های مطالعات تجربی در ایران عدم انسجام نظری است. به عبارت دیگر مطالعات تجربی برای اتخاذ و انتخاب یک چارچوب نظری به صورت عمده مجموعه نظریه‌های موجود درباره موضوع را، فارغ از تمایزات و حتی تناقضات مربوط به سطح تحلیل، رویکرد نظری و منطق رشته‌ای آنها اختیار می‌کنند. در برخی از پژوهش‌های مورد بررسی ما نیز می‌توان چنین مشکلاتی را پیدا کرد. برای مثال در مطالعه خلیلی (۱۳۸۴)، باهنر و جعفری (۱۳۸۹) و میرمحمدی (۱۳۷۴) مجموعه‌ای از نظریه‌های مختلف به کار گرفته شده است اما چنان‌که متن اصلی تحقیقاتشان نشان می‌دهد توضیحی درباره نحوه سازگار ساختن این نظریه‌ها ارائه نکرده‌اند. در همین زمینه، اتخاذ نکردن رویکرد نظری مشخص در باب هویت، جز در مواردی ویژه، مانند تحلیل ثانویه، آسیب جدی به شاخص‌سازی هویت می‌رساند و مواردی از این نقص‌ها در پژوهش‌های بررسی شده وجود دارد.

جدول شماره ۳: مبانی نظری و یافته‌های تجربی پژوهش‌های هویت در ایران

یافته‌های اصلی	مبانی نظری هویت	ابعاد پژوهشگر
تمایلات قوم‌مدارانه بیشتر در میان روستاییان، کم‌سوادان و مراتب شغلی پایین‌تر	اسمیت، بوئرژ، راتچايلد و شایخ‌لین، لوین	میرمحمدی (۱۳۷۴)
هویت فرهنگی دانش‌آموزان چهار بعد قومی، مذهبی، ملی و مدرن دارد.	بندیکت، مارگرت مید، کاردینر و لیتون	محمدی (۱۳۷۹)
میزان تعلق و تعهد بالا به هویت ملی	—	رزازی‌فر (۱۳۷۹)
رابطهٔ مستقیم همکاری‌های بین قومی (رابطهٔ فکری، عاطفی و معیشتی) با تعلق و وفاداری اقوام به اجتماع ملی؛ رابطهٔ معکوس تعارضات و خصومت‌های قومی با تعلق و وفاداری اقوام به اجتماع ملی	—	یوسفی (۱۳۸۰)
گرایش قوی به هویت ملی و قومی؛ رابطه مثبت هویت قومی و ملی	ترنر، تاجفل، اسمیت، اریکسون	احمدلو و افروغ (۱۳۸۱)
عدم وجود رابطه معنادار بین فضای سایبرنتیک و سطوح هویت اجتماعی (خرد و کلان)	—	دوران (۱۳۸۱)
بازاندیشی در ابعاد هویتی خویش	گیدنز	فرجی (۱۳۸۰)
بالابودن بحران هویت دانشجویان. رابطهٔ بین عزت نفس، ارزش‌های فرهنگی و دینی با بحران هویت	گیدنز	ارشدفردی (۱۳۸۱)
هویت‌سازی آمرانه نظام سیاسی و آموزشی، دوگانگی مذهبی و ارزشی، ضعف زمینه‌های اجتماعی فرهنگی	پارسونز	بابائی‌فرد (۱۳۸۲)
تأثیر تحصیلات، ارزش‌ها و نگرش‌ها، سبک زندگی و هویت نقشی بر بازتعریف هویت زنان	گیدنز و جنکینز	رفعت‌جاه (۱۳۸۳)
نقش کنشگران در هویت‌سازی. تضاد هویت‌های دینی روش‌مدار با سایر هویت‌ها، تقویت هویت‌های بدیل (محلی)	رابرتسون	کلاهی (۱۳۸۴)
عدم وجود تعدد شخصیت در وبلاگ‌ها	هال، گیدنز، جنکینز، مید، ترکل	خلیلی (۱۳۸۴)
نسبت بالای هویت بازاندیشانه در نمونه، رابطهٔ مستقیم استفاده از رسانه، پایگاه اجتماعی و هویت بازاندیشانه	گیدنز	شالچی (۱۳۸۴)
استفاده لک‌ها از فرصت‌های جهانی‌شدن برای بازسازی فرهنگی خویش به شیوهٔ عام‌گرایانه	هال	قلی‌پور (۱۳۸۴)

گودرزی (۱۳۸۳)	تاجفل، ایساجیو	گرایش به هویت سیاسی در بین تحصیلکردگان بلوچ
آرمی (۱۳۸۳)	—	نمود بیشتر هویت محلی در قیاس با هویت جهانی
نصرتی (۱۳۸۴)	—	تقابل بین هویت ملی و محلی
رضایی و احمدلو (۱۳۸۴)	—	تأثیر منفی سرمایه اجتماعی بر روابط اقوام و تأثیر مثبت بر هویت ملی، تأثیر مثبت روابط اقوام بر هویت ملی
نیازی و کارکنان (۱۳۸۶)	جنکینز	رابطه معنادار سرمایه فرهنگی و هویت اجتماعی
رضایی و همکاران (۱۳۸۶)	—	رابطه مستقیم و به نسبت قوی هویت ملی و قومی
مردی و تقی زادگان (۱۳۸۶)	آلبورت، کوهن	تأثیر جنسیت، تعداد دوستان، پذیرش در گروه همسالان، هم‌رنگی با گروه همسالان، فعالیت گروهی و نحوه گذران اوقات فراغت بر بحران هویت
مقدس جعفری و همکاران (۱۳۸۷)	جنکینز، اسمیت	در هویت ملی و قومی هر دو مورد احساس تعلق (بعد نگرشی) بیشتر از احساس تمهد (بعد رفتاری) است. رابطه معکوس احساس نابرابری و هویت ملی؛ رابطه معکوس پایگاه اجتماعی و هویت قومی؛ رابطه مستقیم تعامل اجتماعی و هویت ملی
مقدس و حیدری (۱۳۸۷)	—	همبستگی مثبت و معنادار عقلانیت، رابطه اجتماعی باز و صریح با هویت ملی؛ همبستگی منفی و معنادار صراحت و رابطه باز با هویت طایفه‌ای؛ همبستگی منفی هویت ملی و طایفه‌ای
اکوانی (۱۳۸۷)	راتچالد و شایخ‌لین، پل براس	گرایش بالاتر از میانگین به هویت ملی و قومی؛ همبستگی مثبت این دو گرایش؛ رابطه مثبت وضعی اقتصادی و گرایش به هویت ملی
صدیق سروستانی و حاجبانی (۱۳۸۷)	کنش متقابل نمادین	قوت ابعاد فرهنگی هویت ملی، قومی و مذهبی؛ گرایش متوسط به ابعاد اجتماعی هویت ملی، قومی و مذهبی؛ گرایش پایین‌تر از میانگین به ابعاد سیاسی هویت ملی و قومی؛ گرایش ضعیف به ابعاد سه‌گانه هویت مدرن؛ تعاملات مثبت بین ابعاد هویت ملی، قومی و مذهبی و فاصله معنادار هویت مدرن با دیگر ابعاد هویت ایرانی.

برجستگی هویت ملی و قومی؛ رابطه مثبت و قوی در ابعاد فرهنگی و اجتماعی	مید، بلومر	حاجیان (۱۳۸۷)
هویت اجتماعی بالاتر از میانگین، بعد مذهبی و ملی هویت بالاتر از سه بعد قومی، جنسی و گروهی؛ رابطه معکوس جهانی شدن و هویت اجتماعی؛ رابطه معکوس طبقه اجتماعی و هویت ملی و مذهبی	جنکینز	ادیبی و همکاران (۱۳۸۷)
رابطه معنادار گرایش نوجوانان به نظام ارزشی و هویت ملی آنان	—	آزادمرزآبادی (۱۳۸۷)
نگرش مثبت به هویت ملی؛ رابطه مستقیم رضایت اجتماعی و نگرش به هویت ملی و رابطه معکوس مصرف رسانه خارجی با نگرش به هویت ملی	مید، تاجفل	ملکی و عباسپور (۱۳۸۸)
رابطه محل تولد، سکونت، سرمایه اجتماعی و مذهب با هویت؛ عدم رابطه بین سن، جنس، وضعیت تأهل، تحصیلات والدین، درآمد خانواده، وضعیت طبقاتی و عزت نفس	گیدنز	جهانگیری و معینی (۱۳۸۹)
رابطه معکوس پایگاه اقتصادی - اجتماعی با هویت جمعی و رابطه مستقیم با هویت فردی	گیدنز	باقری و سلیمان‌نژاد (۱۳۸۹)
رابطه مستقیم احساس محرومیت سیاسی و اقتصادی، استفاده از رسانه خارجی و مشارکت سیاسی با هویت قومی	چاندرا	نواح و همکاران (۱۳۸۹)
رابطه مستقیم تماشای تلویزیون با هویت ملی؛ عدم رابطه تماشای تلویزیون با قومیت	گیدنز، بورک، کنش متقابل نمادین	باهنر و جعفری (۱۳۸۹)
رابطه معنادار عوامل دوستان، خانواده، تلویزیون، ماهواره، شیوه‌های گذران اوقات فراغت، و عدم رابطه پایگاه اقتصادی-اجتماعی، رشته و کلاس، محتوای کتاب درسی با هویت ملی	تاجفل	حقیقتیان و همکاران (۱۳۹۰)
همبستگی معکوس و به نسبت شدید احساس محرومیت نسبی با گرایش به هویت ملی	تاجفل	ربانی و همکاران (۱۳۹۰)

بحث و نتیجه گیری

با توجه به تحلیل پیشینه نظری و تجربی این مطالعه، می توان ادعا کرد برای مطالعه موضوعی مانند هویت، نظریه های جامعه شناسی در مقایسه با سایر حوزه های علمی کارایی بیشتری دارند. این نکته به دلیل فراوانی مطالعات جامعه شناسانه در موضوع هویت نیست، زیرا می توان مطالعات روان شناختی بسیاری در این حوزه پیدا کرد؛ بلکه، اساس این گفته آن است که هویت امری کاملاً اجتماعی است و فروکاستن آن به سطح فردی منطقی نیست.

با مروری بر دو بخش پیشینه نظری و تجربی مطالعات هویت در داخل کشور، به رغم مشکلات و ایرادهای وارده به آنها، می توان به الگویی هر چند مقدماتی از هویت و ابعاد آن دست یافت. چنان که گفته شد بر اساس پیشینه نظری مطالعات هویت در ایران، مهم ترین منابع هویتی عبارتند از: زبان فارسی، مذهب تشیع، دین اسلام، فرهنگ شرقی، عرفان شرقی، مدرنیته و تاریخ ملی.

بر اساس تقسیم بندی سه گانه در بخش اول نوشتار حاضر، بیشتر پژوهش ها و مطالعات انجام شده در ایران و جهان در زمره رویکرد برساختی قرار می گیرند. گرایش اندک محققان به رویکردهای سنتی عمدتاً ذات گرا به دلیل روش شناسی و معرفت شناسی جدید تا حدی منطقی به نظر می رسد اما در باب تمایل اندک به رویکرد گفتمانی می توان استدلال کرد که این رویکرد هنوز هم در اجتماع علمی ما جا نیفتاده است و از سوی دیگر خود این رویکرد هنوز هم مخالفان جدی و برحق دارد.

مقایسه مطالعات نظری داخلی و خارجی نشان می دهد که بخش زیادی از عوامل مؤثر در برساختن هویت در هر دو نوع مطالعات مشترک هستند. از جمله این موارد می توان به عنصر زمان یا تاریخ، ملیت، دین (البته با توجه به تفاوت بنیادی در برداشت از دین)، مدرنیته، مکان، عناصر فرهنگی (مانند زبان، سنت و عرف اجتماعی) اشاره کرد. با توجه به اهمیت شکل ملی هویت در مطالعات داخل کشور و عناصر مورد نظر آنها، می توان دریافت که بیشتر این مطالعات از تغییرات چند دهه اخیر در زمینه مشکله و رویکرد نظری هویت و مجموع منابع برساننده آن تا حدی غافل بوده اند. شاهد این مدعا این است صاحب نظران نامبرده در تأکید بر همبستگی و هم زمانی ورود شکل خاصی از مدرنیته به ایران و پیدایش مشکله به نام هویت و در نتیجه بحران هویت اشتراک دارند و عناصر مهم آن (مانند ملیت) را در چارچوب نظری خود وارد کرده اند اما به عناصری که به قول گیدنز به دوره مدرنیته متأخر (پست مدرن) متعلق هستند

التفات نداشته‌اند؛ از جمله این عناصر می‌توان به زندگی روزمره، نهادهای اجتماعی و جنسیت اشاره کرد که عمدتاً در چند دهه اخیر وارد تحلیل‌های جامعه‌شناختی شده‌اند. در مجموع می‌توان گفت این سه گونه از مطالعات به سه سطح یا شکل هویت پرداخته‌اند. مبانی نظری به صورت کلی به مفهوم هویت اجتماعی، مطالعات نظری ایرانی عمدتاً به هویت ملی و مطالعات تجربی بیشتر به هویت‌های فرومی مانند هویت قومی، طایفه‌ای، فردی و جنسیتی پرداخته‌اند و معمولاً هویت ملی را در رابطه با این اشکال هویتی بررسی کرده‌اند. در تفسیر می‌توان گفت که مطالعات نظری داخلی با نگاهی به گذشته به موضوع هویت نگاه می‌کنند، در حالی که آثار تحقیقی با نگاهی به آینده؛ و بر همین اساس اشکالی از هویت را بررسی کرده‌اند که در آینده احتمال تأثیرگذاری بیشتری بر هویت‌یابی دارند. از همین منظر می‌توان گفت که مبانی نظری هویت عموماً به زمان حال و عناصر کنونی هویت اجتماعی توجه دارند.

نکته مهم دیگری که از مباحث طرح شده می‌توان دریافت، تعدد منابع هویتی است. زیرا مجموعه‌ای از عناصر هویت را برمی‌سازند. با توجه به این که وزن هرکدام از این عناصر در ترکیب متفاوت است بنابراین تعدد منابع هویت مذکور دال بر این واقعیت است که شاکله هویت ایرانی، در همه سطوح آن سامانه‌ای ترکیبی و پیوندی (دورگه) دارد. بر همین اساس بهتر آن است که مطالعات هویتی در انتخاب شاخص‌های هویتی به این تلون هویت‌یابی دقت کنند و در مرحله بعدی در انتخاب نمونه‌های آماری و سواسی حرفه‌ای به کار برند. پر روشن است که این ملاحظات نظری و روش‌شناختی هم تصویر درست‌تر و روشن‌تری از هویت در همه ابعاد خرد و کلان آن به دست خواهد داد و هم از لحاظ زمانی مسیر دگرگونی‌های هویتی را ترسیم خواهد کرد.

هم‌چنین ضروری است که پژوهشگران حوزه هویت در به کار بردن مفاهیم، سطوح یا اشکال هویتی دقت وافر داشته باشند. در جریان این مطالعه بارها دیده شد که مفاهیم اجتماع، جامعه، ملت، قوم و طایفه و سطوح و اشکال هویت مانند هویت اجتماعی و هویت فردی، هویت ملی و قومی، دینی، سیاسی، فرهنگی و... با هم خلط شده‌اند. طبیعت است این اختلاط معانی نه از سر آگاهی، بلکه از سر کوتاهی در تمایز بین مفاهیم بوده است و اعتبار یک پژوهش را به مخاطره می‌اندازد.

یادداشت‌ها

- ۱- در اینجا باید تفاوت بین دو مفهوم Identity و هویت را در نظر داشت. به دلیل تفاوت معنا در ریشه این دو واژه، در حقیقت هویت معنای نهفته در Identity را ایفاد نمی‌کند. بنابراین در این تحقیق به‌رغم استفاده از مفهوم عربی هویت، معانی بار شده بر آن همان‌هایی است که برای واژه لاتین متصور هستیم.
- ۲- ریزوم در مقابل شیوه سلسله‌مراتبی درختی نقشه‌ای است «که همواره قابلیت بر هم خوردن، ایجاد پیوند، واژگون‌شدن و تغییر را دارد و راه‌های ورود و خروج آن متعدد است».
- ۳- صاحب‌نظران دیگری از جمله اصحاب مکتب کنش متقابل را می‌توان در این فهرست جای داد. با این حال با توجه به این‌که آنها به صورت خاص به موضوع هویت و به‌ویژه هویت اجتماعی پرداخته‌اند، در اینجا مطرح نشده‌اند.
- ۴- در این تحلیل متغیر دانشگاه محل انجام پژوهش در نظر گرفته نشده است. به نظر می‌رسد پژوهش‌های انجام شده در دانشگاه تهران در مقایسه با سایر دانشگاه‌ها گرایش بیشتری به پژوهش‌های سطح فروملی یا جهانی هویت داشته‌اند.
- ۵- ظاهر امر نشان می‌دهد که مجریان پروژه‌های تحقیقاتی عمدتاً دانشجویان با خاستگاه غیر مرکزی و قومی (غیر از فارس‌ها) بوده‌اند. این تعلقات می‌تواند مسببی منطقی برای گرایش به هویت‌های فروملی یا جهانی باشد.

منابع

- آرمی، آزاد (۱۳۸۳)؛ *مطالعه تطبیقی هویت محلی و جهانی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه تبریز.
- آزاد مرزآبادی، اسفندیار (۱۳۸۷)؛ «بررسی ارتباط بین نظام ارزشی نوجوانان و هویت ملی آنان»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۳۴، صص ۱۱۴-۱۳۲.
- آموسی، مجنون (۱۳۸۴)؛ *بررسی احساس تعلق به هویت ملی و قومی در بین جوانان پیرانشهر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه تهران.
- احمدلو، حبیب و عماد افروغ (۱۳۸۱)؛ «رابطه هویت قومی و هویت ملی در بین جوانان تبریز»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۱۳، صص ۱۰۹-۱۴۴.
- ادیبی، حسین و همکاران (۱۳۸۷)؛ «جهانی‌شدن فرهنگ با تأکید بر هویت اجتماعی جوانان اصفهان»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۳۵، صص ۹۹-۱۱۸.
- ارشد فردی‌گردی، محمودرضا (۱۳۸۱)؛ *بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر بحران هویت در بین دانشجویان کارشناسی دانشگاه تبریز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه تبریز.
- اکوانی، سیدمحمداله (۱۳۸۷)؛ «گرایش به هویت ملی و قومی در عرب‌های خوزستان»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۳۶، صص ۹۹-۱۲۶.
- انیس، مارتین (۱۳۸۴)؛ *گفتگوهای با مانوئل کاستلز*، ترجمه حسن چاوشیان و لیلا جوافشانی، تهران: نشر نی.
- بابایی‌فرد، اسدالله (۱۳۸۲)؛ *بررسی جامعه‌شناختی بحران هویت در جامعه معاصر ایران (بررسی موردی دانش‌آموزان پسر سال سوم دبیرستان شهر تهران)*، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

- ۱- باقری، معصومه و محمد سلیمان‌نژاد (۱۳۸۹): «بررسی جامعه‌شناختی هویت جوانان»، *دانشنامه علوم اجتماعی*، ش ۳، صص ۹۴-۱۱۲.
- ۲- باهنر، ناصر و طاهره جعفری کیدقان (۱۳۸۹): «تلویزیون و تأثیرات کاشتی آن بر هویت فرهنگی ایرانیان»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، ش ۴، صص ۱۳۱-۱۵۶.
- ۳- برگر، پیتر و همکاران (۱۳۸۱): *ذهن بی‌خانمان، نوسازی و آگاهی*، ترجمه محمد ساوجی، تهران: نشر نی.
- ۴- بروجردی، مهرزاد (۱۳۷۷): *روشنفکران ایرانی و غرب*، ترجمه جمشید شیرازی، تهران: فرزانه.
- ۵- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴): *روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان*، تهران: فرهنگ گفتمان.
- ۶- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱): *هویت اجتماعی*، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: شیرازه.
- ۷- جهانگیری، جهانگیر و مهدی معینی (۱۳۸۹): «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و هویت ملی؛ نمونه مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شیراز»، *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، پاییز و زمستان، صص ۳۷-۷۴.
- ۸- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۷): «نسبت هویت ملی با هویت قومی در میان اقوام ایرانی»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ش ۳-۴، صص ۱۴۳-۱۶۴.
- ۹- حقیقتیان، منصور و همکاران (۱۳۹۰): «هویت ملی و برخی عوامل مؤثر بر آن در بین دانش‌آموزان متوسطه اصفهان»، *نشریه جامعه‌شناسی کاربردی*، ش ۴۱، صص ۷۱-۸۲.
- ۱۰- حیدری، محمود (۱۳۸۳): «هویت و امنیت ملی»، در *هویت در ایران*، به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- ۱۱- خلیلی، پگاه (۱۳۸۴): *وبلاگ‌نویسی در ایران مطالعه کمی و کیفی نحوه ابراز هویت با تأکید بر وبلاگ‌های شخصی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه تهران.
- ۱۲- دوران، بهزاد (۱۳۸۱): «تأثیر فضای سایبرنتیک بر هویت اجتماعی»، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۳- ربانی، علی و همکاران (۱۳۹۰): «رابطه احساس محرومیت نسبی با گرایش به هویت ملی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه اصفهان)»، *نشریه جامعه‌شناسی کاربردی*، ش ۴۲، صص ۶۷-۹۴.
- ۱۴- رجایی، فرهنگ (۱۳۸۲): *مشکله هویت ایرانیان امروز*، تهران: نشر نی.
- ۱۵- رحمانی، صادق (۱۳۸۵): *نقش دانشگاه در هویت‌یابی دانشجویان*، تهران: نشر ارونند.
- ۱۶- رزازی‌فر، افسر (۱۳۷۹): «الگوی جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران: با تأکید بر رابطه میان هویت ملی و ابعاد آن»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۵، صص ۱۰۱-۱۳۳.
- ۱۷- رضایی، احمد و حبیب‌احمدلو (۱۳۸۴): «نقش سرمایه اجتماعی در روابط بین قومی و هویت ملی (بررسی جوانان تبریز و مهاباد)»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۲۴، صص ۷-۳۴.
- ۱۸- رضایی، احمد و همکاران (۱۳۸۶): «گرایش به هویت ملی و قومی در ترکمن‌های ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۳۲، صص ۱۱۹-۱۴۰.
- ۱۹- رفعت‌جاء، مریم (۱۳۸۳): *زنان و بازتعریف هویت اجتماعی، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی*، دانشگاه تهران.
- ۲۰- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۵): «ذهنیت مشوش، هویت مشوش»، *کیان*، ش ۳۰، صص ۴۵-۵۲.
- ۲۱- شادمان، فخرالدین (۱۳۸۲): *تسخیر تمدن فرهنگی*، تهران: گام نو.
- ۲۲- شالچی، سمیه (۱۳۸۴): *هویت بازاندیشانه و رسانه‌ها (بررسی شکل‌گیری هویت بازاندیشانه و ارتباط آن با رسانه)*، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه تهران.

- شایگان، داریوش (۱۳۷۱) *آسیا در برابر غرب*، تهران: باغ آینه.
- شایگان، داریوش (۱۳۷۸): *افسون‌زدگی جدید: هویت چهل تکه و تفکر سیار*، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز.
- شریعتی، علی (۱۳۶۴): *بازگشت به خویشین*، مجموعه آثار، ج ۳۱، تهران: دفتر تدوین و تنظیم آثار دکتر علی شریعتی.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله و ابراهیم حاجیانی (۱۳۸۷): «مطالعه تجربی منابع هویت ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۳۴، صص ۳۱-۵۲.
- طباطبایی، جواد (۱۳۷۴): *ابن‌خلدون و علوم اجتماعی وضعیت علوم اجتماعی در تمدن اسلامی*، تهران: طرح نو.
- عنایت، حمید (۱۳۵۱): «سیاست ایران‌شناسی»، نگین، ش ۸۸، صص ۵-۸.
- عیاری، آذرنوش (۱۳۸۴): *هویت قومی در اینترنت (بررسی عملکرد اینترنتی گروه‌های قومی آذری، بلوچ، ترکمن، عرب خوزستانی و کرد)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- غریب‌خواجه، سعید (۱۳۸۲): *بررسی جامعه‌شناختی نگرش دانشجویان دانشگاه تبریز در مورد کارکرد فرهنگی ماهواره با تأکید بر جهانی‌شدن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
- فرجی، مهدی (۱۳۸۰): *صورت‌بندی هویت جدید و تغییر نگرش زنان نسبت به احکام رساله‌ای*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- قاضی طباطبایی، محمود و ابوعلی و دادهیر (۱۳۸۹): *فراتحلیل در پژوهش‌های اجتماعی و رفتاری*، تهران: جامعه‌شناسان.
- قلی‌پور، سیاوش (۱۳۸۴): *جهانی‌شدن و هویت قومی (مطالعه تجربی: قوم لک در ایران)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- کلاهی، محمدرضا (۱۳۸۴): *جهانی‌شدن و هویت دینی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- کاجی، حسین (۱۳۷۸): *کیستی، از نگاه روشنفکران ایرانی*، تهران: روزنه.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵): *عصر اطلاعات: قدرت، جامعه و فرهنگ، قدرت هویت*، ترجمه حسن چاووشیان، ج ۲، تهران: طرح نو.
- کجویان، حسین (۱۳۸۴): *تطورات گفتمان‌های هویتی در ایران*، تهران: نشر نی.
- گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۳): *جهانی‌شدن، فرهنگ و هویت*، تهران: نشر نی.
- گودرزی، محسن (۱۳۸۳): *هویت قومی و نابرابری اجتماعی (مطالعه موردی گروه‌های قومی استان سیستان و بلوچستان)*، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰): *پیامدهای مدرنیت*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر نی.
- ----- (۱۳۸۲): *تجدد و تشخیص*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- محمدی، حمزه (۱۳۷۹): *هویت فرهنگی و مدرنیسم (مطالعه موردی دانش‌آموزان پایه سوم متوسطه مریوان)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- مریدی، محمدرضا، معصومه تقی‌زادگان (۱۳۸۶): «بررسی بحران هویت در بین دانش‌آموزان: نمونه موردی دانش‌آموزان شهر لار در سال تحصیلی ۸۴-۸۵»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۳۰، صص ۱۴۵-۱۷۰.
- مسکوب، شاهرخ (۱۳۷۹): *هویت ایرانی و زبان فارسی*، تهران: فرزانه.

- مقدس جعفری، محمدحسن و همکاران (۱۳۸۷)؛ «رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان کرد: مطالعه موردی دانشگاه پیام نور سقز»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۳۳، صص ۹۷-۱۲۸.
- مقدس، علی اصغر و اله‌رحم حیدری (۱۳۸۷)؛ «رابطه هویت طایفه‌ای و هویت ملی، با تأکید بر متغیرهای نگرشی در شهر نورآباد ممسنی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۳۳، صص ۱۵۱-۱۷۹.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۶)؛ «جایگاه هویت در پایان‌نامه‌های دانشجویی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۳۱، صص ۸۱-۱۰۱.
- ملکی، امیر و علیرضا عباسپور (۱۳۸۸)؛ «بررسی جامعه‌شناختی نگرش جوانان نسبت به هویت و مؤلفه‌های آن (مطالعه موردی جوانان ۱۶ تا ۲۹ ساله شهرستان رودسر - استان گیلان)»، *فصلنامه دانش انتظامی*، ش ۲، صص ۱۵۹-۱۷۶.
- میرمحمدی، داود (۱۳۷۴)؛ *مطالعه و بررسی مؤلفه‌های بارز هویت فرهنگی و قومی مردم بلوچ و نسبت و رابطه آن با هویت فرهنگ ملی شهرستان زاهدان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه تهران.
- ----- (۱۳۸۳)؛ *گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران*، تهران: تمدن ایرانی.
- نصر، سیدحسین (۱۳۶۱)؛ «خاطرات سیدنصر»، مصاحبه با حسن ضیایی، اکتبر ۱۹۸۲ و ژانویه ۱۹۸۳، ماساچوست.
- نصرتی، روح‌الله (۱۳۸۴)؛ *بررسی صورت‌بندی الگوهای هویتی (محلی، ملی، جهانی) در میان دانشجویان دانشگاه تهران (مطالعه موردی تطبیقی دانشجویان آذری و کرد دانشکده علوم انسانی و فنی)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- نواح، علی‌رضا و همکاران (۱۳۸۹)؛ «آسیب‌شناسی مسائل قومی در ایران (مطالعه موردی عرب‌های ساکن شهرستان اهواز)»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، ش ۳، صص ۴۷-۷۱.
- نیازی، محسن و محمد کارکنان (۱۳۸۶)؛ «تبیین جامعه‌شناختی رابطه سرمایه فرهنگی خانواده با هویت اجتماعی جوانان»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۳۱، صص ۵۵-۸۱.
- هال، استوارت (۱۳۸۳)؛ «هویت‌های قدیم و جدید، قومیت‌های قدیم و جدید»، ترجمه شهریار وقفی‌پور، *فصلنامه ارغنون*، ش ۲۴، صص ۳۱۹-۳۵۲.
- یوسفی، علی (۱۳۸۰)؛ «روابط بین قومی و تأثیر آن بر روابط اقوام در ایران: تحلیلی ثانویه بر داده‌های یک پیمایش ملی در ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۸، صص ۱-۲۹.
- Hall, S. (1987); "Minimal Selves", In *Identity: The Real Me*, London: Institute for Contemporary Arts.
- ----- (1990); "Cultural Identity and Diaspora", In *Identity*, Rutherford, J. (ed.), London: Lawrence and Whishart.
- Hall, S.Held, D and T, Mc, Grow (1996); *Modernity and it Futures*, Cambridge: Polity Press.
- Noblit, G.W. & Hare, R.D. (1988); *Meta-Ethnography: Synthesizing Qualitative Studies*, Newberry Park, CA: Sage Publications, Inc.
- Strauss, A.L. (1987); *Qualitative Analysis for Social Scientists*, Cambridge, Cambridge University Press.
- Suri, H. (1999); "The Process of Synthesizing Qualitative Research: A Case study", Presented at: *Issues of Rigour in Qualitative Research, Annual Conference of the Association for Qualitative Research*, Melbourne, 6-10 July, 1999.

